

وای بر آنانی که آه غزه دامانش را در قیامت بگیرد!

(ترجمه)

ای فرماندهان ارتش‌ها! به سوی آفریدگارتان بازگردید، دنیا جز لحظه‌ای زودگذر در دریای آزمایش‌ها و رنج‌ها نیست و پس از آن، هنگامه بزرگ قیامت فرا می‌رسد؛ روزی که در برابر سخت‌ترین عذاب‌ها قرار خواهید گرفت و هیچ‌چیز از نگاه حق پنهان نخواهد ماند. ای دلاوران نبرد، ای صاحبان قدرت و عظمت، این جنگ شماسست، اما علیه چه کسی؟ علیه پست‌ترین و بی‌مقدارترین موجودات که طوفان الاقصی چهره ناپاک‌شان را آشکار کرد و آنان را بی‌پرده در معرض جهانیان قرار داد.

ای اهل جنگ! این برگ زرین تاریخ نیاکان و اجدادتان است، مبادا شما مایه ننگ و سرزنش آن شوید. اینجا حطین است و تو چه می‌دانی که حطین چیست! هفت ساعت درخشانی از روزهای جاودان الهی، از سپیده‌دم حماسه تا غروب آفتاب، زمانی که مشیت الهی فرمان به آزادی و پیروزی داد، پیروزی که به خط سرنوشت سپرده شده و آزادی که مقدر بود. بلی، حطین که در آن لشکریان الله سبحانه و تعالی بر تمام قوای صلیبی یورش بردند تا قدس و مسجد الاقصی و سرزمین شام را از لوٹ کفر پاک سازند. در سحرگاه شنبه، 24 ربیع‌الثانی 583 هجری، مطابق با 4 جنوری 1187 میلادی، خورشید روز نو برآمد و تیغ سربازان اسلام در پیکر صلیبیون شکافی عظیم انداخت؛ به گونه‌ای که شکست آنان تنها یک ناکامی نبود؛ بلکه فاجعه‌ای از دست‌رفته‌ها و خسارت‌های بی‌پایان بر آنان فرود آمد.

صلیبیون پیشتازان شجاع خود را از دست دادند؛ کشتار عظیم از آنان به‌جا ماند و انبوهی از مردان‌شان اسیر شدند. حتی شاهدان روایت کردند: آن‌که تنها کشته‌ها را می‌دید، می‌پنداشت اسیری باقی نمانده و آن‌که اسیران را می‌دید، گمان می‌کرد کشته‌ای بر جا نمانده! حتی پادشاهان و امرای مغرور آنان نیز به اسارت درآمدند.

این حطین است و چه باشکوه است حطین! حماسه‌ای که تنها هفت ساعت از یک روز از ما گرفت؛ نبردی که در آن، ارتش‌های صلیبی در برابر دلاورمردان اسلام تاب نیاوردند. و حال، چگونه ممکن است در برابر دشمن چنین حقیر و زبونی هم‌چون صهیونیست‌های بزدل درنگ کنیم؟ ای شیرمردان ارتش اردن، ای سربازان وفادار مصر، به الله سوگند، چیزی نیست جز ساعتی کوتاه از یک روز، اگر راه حق را در پیش گیرید و توبه‌کنان بازگردید؛ و همین یک ساعت برای خوارترین و پست‌ترین موجودات، آنان که مغضوب الله و بزدل‌ترین خلایقند، بسی زیاد است.

ای لشکریان مسلمانان! آیا هنوز وقت آن نرسیده که به ندای پروردگارتان پاسخ گوئید، ریسمان‌های زنگارگرفته کفر را ببرید و تخت پادشاهان خائن و ننگ‌آور را در هم شکنید؟ تا امت خود را از شر این خائنان آزاد سازید؟ آنان زنجیرهایی هستند که استعمارگر کافر به دست و پای عظمت شما افکنده است، وسیله‌ای در دست‌شان برای تحقیر و تضعیف شما و آنان با این خیانت، خشم الله را بر شما گماشته‌اند.

ای ارتش‌های مسلمانان! پس از دیدن کشتارهای غزه و فاجعه‌های جبالیا، هیچ بهانه‌ای برای خاموشی باقی نمانده است؛ وای بر آنان که این مصائب، حجتی علیه‌شان شود و شهیدان حق در قیامت در برابرشان بایستند. قسم به الله، شما دیگر هیچ عذری ندارید! شما فرماندهان میدان‌های نبردید، شما سالاران جنگ و صاحبان قدرت و سلاحید، شانه‌های استوار بر دوش

جایگاه‌های بلند و نگهبانان کاخ‌های حکم. چگونه از این امت مظلوم توقع دارید که از ضعیف‌ترین فرزندانش چیزی طلب کند که از توان لشکریان و دلاوران او ساخته است؟

پس بازگردید به سوی پروردگارتان، کجی‌ها را راست کنید، برخیزید به سوی اسلام ناب و بدانید که نخستین گام، کنار زدن حکام خیانت‌پیشه و ننگین است تا زنجیرها و قید و بندهای شما از هم بپاشند. این است پاسخ به ندای پروردگارتان، لبیک به فریاد دردمندان آگاه، برای نصرت اسلام و آزادسازی امت، برای بیعت با امامی برحق، اقامه خلافت، اجرای شریعت الهی، برافراشتن کلمه توحید و به حرکت درآوردن لشکرتان برای آزادی تمام سرزمین‌های اسلامی از ناپاکی و پلیدی کفر و دولت‌های کافر.

ای امت اسلام! ای گروه مؤمنان به الله قهار و مالک بی‌همتای زمین و آسمان‌ها! آیا زمان آن نرسیده که به خشم برحق برخیزید و از پروردگارتان برای طلب نصرت از فرماندهان و افسران لشکرتان کمک بجویید؟! تا این بت‌های کوچک و پست را سرنگون سازید، ننگ و خیانت‌شان را بزدايید و تخت و تاج خیانت‌پیشگان را درهم بکوبید و کلمه آفریننده‌تان را برافرازید! آیا هنگام آن نرسیده که دروازه‌های خلافت راشده بر منهج نبوت را به روی خود بگشایید و پیمان خود را با الله سبحانه و تعالی و پیامبرش صلی الله علیه وسلم صادقانه تجدید کنید؟!

بدانید که رهایی و نجات، در ویران ساختن این بت‌های خیانت‌کار و نابودی ارکان ناپاکی آن‌هاست و پیروزی حقیقی در برافراشتن پرچم اسلام و خلافت راشده بر ویرانه‌های بت‌های پوسیده غرب و خادمان فریب‌کارشان است.

برگرفته از شماره 520 جریده الرایه

مترجم: محمد مزمل